

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد / بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم / از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: ویجی پراشاد
برگردان: مجله جنوب جهانی
فرستنده: عثمان حیدری
۲۵ فبروری ۲۰۲۵

ما می‌خواهیم جامعه‌ای از خوانندگان بسازیم، نه این‌که خوانندگان را به کالا تبدیل کنیم

هشتمین خبرنامه (۲۰۲۵)



سواد به ما قدرت می‌دهد تا زندگی جمعی بسازیم – این توانایی را به ما می‌دهد که تاریخ خود را با وضوح ببینیم، نسبت به زمان حال خود انتقادی باشیم و از آینده غیرممکن‌ها را طلب کنیم. دوستان عزیز،

درود از پشت میز مؤسسه تحقیقات اجتماعی سه‌قاره (Tricontinental: Institute for Social Research) روزهایی هستند که غروب رویدادها به سختی بر دوشم سنگینی می‌کند و من سعی می‌کنم راهی برای عقب‌نشینی به گوشه‌ای آرام پیدا کنم و خود را در دنیای یک کتاب غرق کنم. مهم نیست که این کتاب یک رمان باشد یا یک کتاب تاریخی، تا زمانی که نویسنده بتواند دنیای را خلق کند که مرا از سیل خشونت‌ها به جزیره‌ای از تخیل منتقل کند. در ماه‌های اخیر، بیشتر و بیشتر به خواندن رمان‌ها روی آورده‌ام – از جمله داستان‌های جنایی جاپانی، که یکی از علاقه‌مندی‌های قابل توجه من است – و در آن‌ها شخصیت‌هایی یافته‌ام که گاهی با آن‌ها می‌خندم و گاهی با تعجب اخم می‌کنم. دیوانگی چیز جدیدی در دنیای ما نیست. از قبل وجود داشته است.

در مقابل من کتاب‌های «Ten to Sen» (نقاط و خطوط، ۱۹۵۸) و «Suna no Utsuwa» (بازرس ایمانیشی بررسی می‌کند، ۱۹۶۰-۱۹۶۱) اثر «سیچو ماتسوموتو» و همچنین «Kuroi Hakucho» (معمای قوی سیاه، ۱۹۶۱) اثر «تتسویا آیوکاوا» قرار دارند، همه این‌ها رمان‌های جنائی هستند که پس از استفاده وحشتناک ایالات متحده از بمب‌های اتمی در هیروشیما و ناگازاکی در سال ۱۹۴۵ نوشته شده‌اند. این کتاب‌ها و فلم‌های همان دوره - به ویژه «گودزیلا» (Godzilla) که در سال ۱۹۵۴ توسط «ایشیرو هوندا» کارگردانی و نوشته شد - پیچیدگی‌های یک جامعه پسااتومی را نشان می‌دهند. من می‌توانم این نویسندگان را در شهرهای جنگ‌زده‌شان با قلم‌ها و کاغذهای کمیابشان تصور کنم که سعی می‌کنند آئینه‌ای در مقابل جامعه خود قرار دهند، کارآگاهانشان مردان جدی طبقه کارگر هستند که باید با جسارت خانواده‌های قدیمی روبه‌رو شوند که زمانی در نظم اجتماعی فاشیستی عمیقاً ریشه داشتند و اکنون خود را به عنوان سرمایه‌داران پویا بازسازی کرده‌اند. با این حال، این نویسندگان مدتی پس از اولین کلماتی که از داخل هیروشیما توسط شاعرانی مانند «سانکیچی توگه» (۱۹۵۳-۱۹۱۷) و «ساداکو کوریهارا» (۲۰۰۵-۱۹۱۳) بیان شد، ظهور کردند، هر دو قربانی بمب اتمی بودند که در حالی که تشعشعات هنوز بر خانه‌هایشان سایه افکنده بود، می‌نوشتند. در دسامبر ۱۹۴۵، کوریهارا شعری آرام و ملایم به نام «صدای کودکان» نوشت:

در یک بعدازظهر گرم زمستانی

مشغول باغچه‌ام بودم .

غرق در افکار احمقانه، مدتی بود که آن را فراموش کرده بودم،

و با تمام آفتابی که امسال داشتیم،

قبل از این که بدانم، علف‌های هرز رشد کرده بودند .

معمولاً باغچه‌ام را با دقت صبح و شب رسیدگی می‌کردم،

اما اخیراً بی‌قرار شده بودم و دست کشیده بودم .

چرا؟ در حالی که علف‌های هرز را می‌کندم، فکر می‌کردم .

«مامان!» بچه‌ها با نفس‌های بریده صدا می‌زدند .

آن‌ها از مدرسه برگشته بودند .

آه، چقدر صدایشان معصوم و پاک بود !

از حالا به بعد، مامان آنقدر احمق نخواهد بود

که بگذارد علف‌های هرز در باغچه‌مان رشد کنند .

باغچه‌مان حتی یک علف هرز هم نخواهد داشت.

در سال ۱۹۴۹، تئودور آدورنو، مارکسیست آلمانی، در مقاله‌ای درباره نقد فرهنگی نوشت: «سرودن شعر پس از آشویتس وحشیانه است». البته آدورنو منظورش این نبود که هر شعری که پس از هولوکاست نوشته شود وحشیانه است، زیرا دوست نزدیکش برتولت برشت در سال‌های پس از جنگ اشعار زیبایی سرود. به نظر می‌رسد آدورنو می‌خواست بگوید که صنعت فرهنگ همه چیزهای خوب دنیا را جذب کرده و آن‌ها را به کالا تبدیل می‌کند. هنر با توانایی ذاتی‌اش برای روشنگری دست و پنجه نرم می‌کرد و به سمت تبدیل شدن به یک شیء تجاری دیگر کشیده می‌شد. اما بدبینی آدورنو بی‌جا بود. به عنوان مثال، اشعار کوریهارا، علی‌رغم سانسور توسط اشغال‌گران آمریکائی، همچنان به عنوان بخشی ثابت از مراسم یادبود هیروشیما و ناگازاکی باقی مانده‌اند و در نهایت وارد برنامه‌های درسی کودکان مدرسه‌ای

در جاپان و سایر نقاط جهان شده‌اند. حس هنری، که مشتاق ساختن دنیائی بهتر است، همچنان تلاش می‌کند تا جوامعی در سراسر جهان بسازد، نه فقط کالاهائی برای فروش.

در آخرین پروندهٔ ما، «لذت خواندن»، ما این حس را جشن می‌گیریم: ما می‌خواهیم خواندن به ما کمک کند تا جوامعی از شادی بسازیم. این متن بر اهمیت سواد برای یک فرهنگ دموکراتیک تأکید می‌کند، اما این سواد فقط آموزش نوشتن نام افراد به زبان خودشان نیست؛ بلکه فراهم کردن حق دسترسی همه به یک کتابخانهٔ عمومی و ادامهٔ گسترش تخیل آن‌ها در طول زندگی‌شان است. در این پرونده، نمونه‌هایی از کمپین‌های سوادآموزی مردمی در مکزیکو، چین و ایالت کراالا در هند را برجسته کرده‌ایم. در هر یک از این موارد، ضرورت خواندن از جنبش‌های ضداستعماری نشأت گرفته است، که نه تنها آزادی از استعمار، بلکه وضوح ساختن جامعه‌ای با سطح بالای آموزش سیاسی و فرهنگی را در دستور کار قرار دادند تا مردم بتوانند در بحث‌های اجتماعی شرکت کنند و نه فقط تماشاگران نخبگان باشند.

وقتی از «پالوما سایز تخرو»، نویسندهٔ مکزیکوئی و عضو «بریگاد برای خواندن در آزادی» (Brigada para Leer en Libertad)، دربارهٔ اهمیت خواندن پرسیدیم، به ما گفت:

مردمی که می‌خوانند، مردمی هستند که تفکر انتقادی می‌سازند؛ آن‌ها مروج آرمان‌شهرها هستند. مردمی که تاریخ خود را می‌دانند و آن را مالک می‌شوند، به ریشه‌های خود افتخار خواهند کرد. خواندن اجتماعی می‌کند؛ تجربیات و اطلاعات را به اشتراک می‌گذارد. کتاب‌ها به ما اجازه می‌دهند تا دلیلی که ما و تاریخ‌مان را تشکیل می‌دهد، درک کنیم؛ آن‌ها آگاهی ما را فراتر از فضائی که گذشته و حال ما را شکل داده است، رشد می‌دهند. خواندن شهروندان بهتری ایجاد می‌کند. به لطف کتاب‌ها، ما یاد می‌گیریم که به غیرممکن‌ها باور داشته باشیم، به بدیهی‌ها شک کنیم، حقوق خود را به عنوان شهروند مطالبه کنیم و به وظایف خود عمل کنیم. خواندن بر توسعهٔ شخصی و اجتماعی افراد تأثیر می‌گذارد؛ بدون آن، هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند پیشرفت کند.

کاری که «بریگاد برای خواندن در آزادی» در مکزیکو انجام می‌دهد، چندان متفاوت از جنبش‌های کتابخانه‌های عمومی در چین و هند نیست. کنگرهٔ کتابخانه‌های هند، ابتکاری از جنبش کمونیستی هند، اولین بار در جنوری ۲۰۲۳ برگزار شد و اکنون به یک رویداد سالانه تبدیل شده است. بخشی از کار آن این است که اطمینان حاصل کند، همان‌طور که کنگره متعهد شده است، «کتابخانه‌ها باید به فضائی مهم و فعال برای جامعه تبدیل شوند و همچنین به عنوان مراکز توسعهٔ فرهنگی و کانون‌هایی برای سازماندهی و/یا برگزاری فعالیت‌هایی مانند نمایش فلم، ورزش، نمایشگاه‌های هنری، جشنواره‌ها و کلاس‌های آموزش حرفه‌ئی عمل کنند. مراکز بهداشتی و کلاس‌های علوم باید در کنار این کتابخانه‌ها تأسیس شوند». به همین ترتیب، در مناطق روستائی و شهری چین، کتابخانه‌های عمومی زندگی فرهنگی را تقویت می‌کنند و فضائی برای آموزش مردمی فراهم می‌کنند.

رادها وی. پی. در روستای خود در ولور، کانور، کراالا، با کیف کتاب‌هایش از کتابخانه جواهر.

در این کشورها، تأسیس این کتابخانه‌های عمومی یک ابتکار از بالا به پایین نبود. این کار از تلاش مردم عادی نشأت گرفت. موارد ارائه شده در بخش مربوط به کراالا نمونه‌هایی عالی هستند، مانند رادها وی. پی. شصت ساله، کارگر «بییدی» (نوعی سیگار دست‌پیچ) که با خواندن مجلهٔ هفتگی حزب کمونیست هند (مارکسیست) در اوقات فراغت محدود خود به عشق آموزش رسید و سپس به واحد سیار یک کتابخانهٔ محلی پیوست. او کتاب‌ها را در کیف خود به خانه‌های اعضای جامعه، به ویژه زنان و سالمندان، می‌برد تا آن‌ها بتوانند کتاب‌ها را امانت بگیرند و سپس به او بازگردانند. او گفت: «هیچ وقت احساس نکردم که کیف سنگین است، چون بوی کتاب‌ها همیشه شادی زیادی به من می‌داد».

این پرونده با بخشی درباره «روز کتاب‌های سرخ» به پایان می‌رسد، که هر ساله در ۲۱ فبروری به مناسبت سالگرد انتشار مانیفست کمونیست و همچنین روز جهانی زبان مادری جشن گرفته می‌شود. این ابتکار توسط انجمن ناشران چپ هند و سپس اتحادیه بین‌المللی ناشران چپ (IULP) آغاز شد و از سال ۲۰۲۰ برای تشویق مردم به برگزاری جشن‌ها و خواندن عمومی کتاب‌های سرخ مورد علاقه‌شان راه‌اندازی شد. این روز به حدی گسترش یافته است که سال گذشته بیش از یک میلیون نفر از سراسر جهان، از اندونزی تا کوبا، در آن شرکت کردند. آثار هنری موجود در این پرونده از تقویم روز کتاب‌های سرخ ۲۰۲۵ گرفته شده‌اند که می‌تواند به فرمت انگلیسی دائلود شود و از طریق اعضای IULP، از «مارجین کیری» (اندونزی) تا «اینگانی بوکس» (آفریقای جنوبی) و «لا تراچا» (چیلی)، در سراسر جهان خریداری شود.

روز کتاب‌های سرخ ابتکاری است برای افزایش لذت عمومی از خواندن و نجات زندگی جمعی. ما پیش‌بینی می‌کنیم که در چند سال آینده، میلیون‌ها نفر در سراسر جهان در مکان‌های عمومی گرد هم می‌آیند تا روز کتاب‌های سرخ را جشن بگیرند، از کارناوال برزیل با یک کتاب سرخ گول‌پیکر روی یک کامیون تا اعضای یک کتابخانه عمومی در کراالا که صندلی‌های بیشتری به خیابان‌ها می‌آورند و برای یک دیگر می‌خوانند در حالی که یک موزیسین «ایداکا» (نوعی طبل چوبی) می‌نوازد.

به عنوان بخشی از این تلاش برای ترویج لذت خواندن و نجات زندگی جمعی، مؤسسه ما خوانندگان خود را تشویق می‌کند تا حلقه‌های خواندن سه‌قاره (Tricontinental) ایجاد کنند. دوستان و همکاران خود را گرد هم آورید تا یک گروه خواندن در منطقه خود تشکیل دهید و ماهی یک بار برای بحث درباره پرونده‌های ما یا سایر انتشارات ملاقات کنید. هیچ چیز غنی‌تر از فرآیند خواندن و بحث جمعی نیست. اگر یک حلقه خواندن سه‌قاره ایجاد کردید، لطفاً با ارسال ایمیل به circle@thetricontinental.org به ما اطلاع دهید.

با احترام،

ویجی

[۲۴ فبروری ۲۰۲۵](#)